کوتاه دیپلماسی

ظریف: روی اسب بازنده شرط‌بندی نکنید

● وزیر خارجه ایران دیروز وارد بغداد شد و تا پنجشنبه هفته جاری در عراق حضور خواهد داشت. محمدجواد ظریف در اولین دور رایزنی‌ها با مقامات عراقی، با «محمدعلی الحکیم» همتای عراقی خود دیدار و گفت‌وگو کرد. ظریف در بدو ورود به عراق خطاب به کشورهایی که مزاحمت در روابط ایران و عراق ایجاد می‌کنند، گفت: این حرکت‌ها نتیجه شکست سیاست‌های ایالات متحده است و ۴۰ سال است که با شکست روبه‌رو شده و پیشنهاد من به کشورها این است که هیچ‌وقت روی اسب بازنده شرط‌بندی نکنند. به گزارش «ایسنا»، وزیر خارجه ایران که در رأس هیئت عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی به عراق رفته است، افزود: ما با عراق هم سابقه طولانی داریم و هم کشوری بودیم که در دوران سختی کنار آنها بودیم و مردم این کشور توانستند یک خطر را که برای کل منطقه خطرناک بود رفع کنند و ما در این راه در کنار آنها بودیم. ظریف با بیان اینکه این سفر، اولین سفری است که بعد از انتخابات عراق انجام می‌دهم، افزود: قبلا قرار بود به عراق بیایم که با سفر آقای برهم صالح به ایران هم‌زمان شد، ازاین‌رو این سفر را قدری دیرتر انجام دادیم تا همچنین شرایط برای سفر رئیس‌جمهوری کشورمان به عراق فراهم شود. رئیس دستگاه دیپلماسی کشور گفت: در این سفر علاوه‌بر بغداد، سفرهایی به عتبات مقدس عالیات در نجف و کربلا داریم که در کربلا علاوه‌بر تشرف به حرمین شریفین یک فروم اقتصادی مشترک با عراقی‌ها خواهیم داشت، همین‌طور به اقلیم خواهیم رفت و در سلیمانیه و اربیل برنامه‌های اقتصادی داریم.

بولتون خواهان ارائه طرح نظامی علیه ایران شده بود

● **ایسنا:** وال‌استریت‌ژورنال نوشته پس از حمله به سفارت آمریکا در بغداد، مشاور امنیت ملی آمریکا از پنتاگون خواسته بود گزینه‌های نظامی خود را برای اقدام احتمالی علیه ایران به کاخ سفید ارائه کند. وال‌استریت‌ژورنال مدعی شده جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا، از پنتاگون خواسته بود گزینه‌های نظامی خود را برای «ضربه‌زدن به ایران» به کاخ سفید ارائه کند. بنا بر این گزارش، این درخواست پس از حمله خمپاره‌ای به سفارت آمریکا در بغداد مطرح شده که آمریکایی‌ها معتقد بودند از سوی «شبه‌نظامی‌های وابسته به ایران» پرتاب شده است. شهریور سال گذشته میلادی سه گلوله خمپاره به اطراف سفارت آمریکا در منطقه حفاظت‌شده بغداد اصابت کرد که تلفات یا خساراتی بر جای نگذاشت.

یادداشت

اهمیت حفظ برجام

زهره آقایانی

● تعلل یا عدم موفقیت اروپا در ایجاد یک مکانیسم مالی تجارت با ایران روزبه‌روز بر فاصله تهران و اتحادیه اروپا می‌افزاید و حوادث هم یکی پس از دیگری از راه می‌رسند. شورای اروپا در اقدامی غیرمترقبه از تحریم دو شهروند و همچنین نهادی در وزارت اطلاعات ایران خبر داد؛ اقدامی که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، از آن حمایت کرد. اروپا مدعی شده است ایران در سال میلادی گذشته حملاتی را در فرانسه و دانمارک طراحی کرده و این تحریم‌ها از این بابت است. این در حالی است که اعلام تحریم نهادی در وزارت اطلاعات از سوی اتحادیه اروپا حرکتی بر خلاف ادعای این اتحادیه بود که اصرار دارد ایران را با چنگ و دندان در برجام نگه دارد. بر این اساس، قرار بود اتحادیه اروپا سازوکار ویژه مالی را ایجاد و تا حدودی زمینه تعهدات خود را در برجام تأمین کند تا از این طریق ایران را مجاب کند که از این توافق‌نامه خارج نشود. حالا اگرچه اتحادیه اروپا اعلام کرد که این تحریم‌ها ربطی به برجام ندارد اما اقدام فوق مغایر با روح تعامل سازنده در روابط دوجانبه است و واکنش تهران را در پی داشت. اما نکته بسیار مهم در تحولات اخیر در روابط ایران و اروپا در قالب برجام، فاصله‌ای است که این تحولات می‌تواند ایجاد کند؛ فاصله‌ای که یقینا با استقبال واشنگتن مواجه خواهد شد. حالا باید دید روند فاصله‌افتادن میان ایران و اروپا روندی محتوم و طبیعی است یا حوادث و رویدادهای چند روز گذشته، این روند را به وجود آورده‌اند؟ سؤالی که مهدی مطهرنیا، استاد دانشگاه تهران در حوزه بین‌الملل، در پاسخ به آن می‌گوید: «آنچه بر روابط ایران و اروپا تأثیر می‌گذارد در چهار سطح تحلیل قابل ارزیابی است. در سطح اول تحلیل روندها، اوضاع و احوال نشان‌دهنده سیگنال‌های بسیار قدرتمندی برای ایجاد یک اجماع مجدد علیه ایران بین اروپا و ایالات متحده آمریکا بر سر پرونده حقوق بشر و همچنین موشکی است. از یک طرف مسائل مربوط به تروریسم اکنون بین ایران اروپا مطرح است که در پهنه پدیده خود مسائل حقوق بشر را مورد توجه قرار خواهد داد و در کنار آن مسئله موشکی که به هر تقدیر مورد توجه آمریکا نیز هست».

پس‌لرزه‌های برگزاری کنفرانس ضدایرانی در لهستان

قاسمی: لهستان باید پاسخ‌گوی عواقب این میزبانی باشد

خبر برگزاری کنفرانس ضدایرانی آمریکا در لهستان همچنان در ایران پس‌لرزه دارد؛ تا جایی که حتی سخنگوی شورای نگهبان هم به چرایی این میزبانی پرداخت. سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به میزبانی لهستان گفت: قطعا واکنش جمهوری اسلامی به این اقدام بسیار جدی و بدون هرگونه مماشات و ملاحظه‌ای خواهد بود. بهرام قاسمی افزود: لهستان باید پاسخ‌گوی عواقب این میزبانی باشد و مسئولیت و تبعات و پیامدهای آتی مشارکت و میزبانی همایشی علیه کشور مستقل را بپذیرد. او تأکید کرد مگر آنکه نهایتا دولت لهستان در یک حرکت خردمندانه سمت‌وسوی این نشست را به مسیری غیر از آنچه در دعوت‌نامه‌های خود به آن اشاره کرده است تغییر دهد. عباسعلی کدخدایی هم در توییتر نوشت: «چرایی انتخاب لهستان برای برگزاری کنفرانس ضدایرانی توسط آمریکا! تصمیم لهستان برای ایجاد پایگاه نظامی ناتو موسوم به دژ ترامپ، انعقاد قرارداد ۴.۷ میلیارددلاری جهت خرید سامانه دفاعی پاتریوت، جایگزینی واردات گاز طبیعی مایع از آمریکا به‌جای خرید گاز از روسیه در سال ۲۰۲۲». دیروز کاردار لهستان هم به وزارت خارجه فراخوانده شد. به گزارش «ایسنا»، در این دیدار رئیس اداره اول شرق اروپای وزارت امور خارجه مراتب اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران را به اقدام طرف لهستانی در همراهی با آمریکا برای برگزاری این کنفرانس اعلام کرد و گفت: این یک حرکت خصمانه از سوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است و انتظار می‌رود لهستان از همراهی با آمریکا در برگزاری این کنفرانس خودداری کند. در مقابل ویچخ اونلت، کاردار لهستان، با ارائه توضیحاتی درخصوص کنفرانس مذکور، بر ضدایرانی‌نبودن آن و بیان اینکه مواضع لهستان با اظهارات اخیر مقامات آمریکایی متفاوت است، تأکید کرد. به نظر می‌رسد اشاره کاردار لهستان به عنوان این کنفرانس است. وزیر خارجه آمریکا گفته بود که محور این کنفرانس تمرکز بر ثبات خاورمیانه، صلح، آزادی و امنیت در این منطقه است. بااین‌حال «اطمینان حاصل‌کردن از اینکه ایران تأثیر کارشکنانه‌ای ندارد» هم محور دیگر این نشست بود که پمپئو مطرح کرده بود. رئیس اداره اول شرق اروپای وزارت خارجه اما توضیحات کاردار لهستان را ناکافی دانست. او با تأکید بر ضرورت اقدام جبرانی فوری دولت لهستان گفت: در غیر این صورت جمهوری اسلامی ناچار به اتخاذ اقدامات متقابل است. کاردار لهستان هم با اشاره به روابط تاریخی دو کشور گفت که پیام دولت جمهوری اسلامی ایران را به مقامات ذی‌ربط لهستان منعکس خواهد کرد. در این شرایط برگزاری هفته فیلم لهستان هم به تأخیر افتاده است. بااین‌حال مدیرعامل انجمن دوستی ایران و لهستان معتقد است نباید پیشینه و تاریخ روابط دو ملت را فدای مسائل و هیجاناتی آنی و مقطعی کنیم که ممکن است چند ماه یا چند سال دیگر حل شود. رضا نیکپور به «ایرنا» گفته: «حساب دولت و ملت این کشور را از هم جدا می‌دانیم. نگاه مردم لهستان این نیست که کشور یا دولتشان بخواهد از کشور و ملتی که قرن‌ها و سال‌ها با آن ارتباط عمیق دارد، فاصله بگیرد. دولت‌ها تصمیماتی می‌گیرند و این تصمیمات ممکن است واکنش‌های تندی هم به دنبال داشته باشد، اما دولت بعد می‌تواند آن سیاست را ترمیم کند و درصدد جبران آن بربیاید، ولی واقع امر این است که مردم نه به این سرعت واکنش منفی نشان می‌دهند و نه به‌سرعت برمی‌گردند». به نظر می‌رسد کنفرانس لهستان که ۲۴ و ۲۵ ماه بعد برگزار می‌شود می‌تواند بر روابط دیرینه دو کشور سایه بیندازد؛ کنفرانسی که در سطح رهبران جهان برگزار خواهد شد و هنوز به غیر از نخست‌وزیر رژیم اسرائیل دیگر شرکت‌کنندگان آن مشخص نیستند.

اتهامات تروریستی در اروپا علیه ایران؛ علل و اهداف

اروپای غیریکپارچه

یاسر نورعلی‌وند . کارشناس مسائل اروپا

در ماه‌های اخیر اتهاماتی تروریستی در فرانسه، دانمارک، هلند، آلبانی و چند کشور اروپایی دیگر علیه ایران طرح شده است. در این میان اما دو رویداد از همه مهم‌تر بود؛ نخستین رویداد به نهم تیرماه (۳۰ ژوئن) و درست به زمانی برمی‌گردد که دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری ایران به دو کشور سوئیس و اتریش سفر کرد. در همان روز دادستان بلژیک اعلام کرد پلیس این کشور یک زوج بلژیکی ایرانی‌تبار را در بروکسل به ظن تلاش برای بمب‌گذاری در همایش سالانه «سازمان منافقین» در پاریس دستگیر کرده است. در همین رابطه یک دیپلمات ایرانی مستقر در سفارت ایران در وین اتریش به اتهام تماس با این زوج توسط پلیس در آلمان دستگیر شد. همچنین سه نفر نیز در همین رابطه در فرانسه دستگیر شدند. در دومین رویداد مهم، سازمان امنیت دانمارک سه‌شنبه هشتم آبان اعلام کرد یک فرد ایرانی- نروژی به ظن همکاری با دستگاه امنیتی ایران و تلاش برای ترور یکی از سران گروه «الاحوازیه» بازداشت شده است. علاوه بر این، دولت دانمارک در اعتراض به اتهام طرح ترور در خاک کشورش سفیر خود را از تهران فراخواند و از اتحادیه اروپا خواست تحریم‌های تازه‌ای را علیه ایران در دستور کار قرار دهد، درخواستی که اخیرا با اجابت و موافقت اتحادیه اروپا همراه شده است.

علاوه بر این دو رویداد مهم، اتهامات مشابه دیگری در نقاط عمدتا شمالی و شرقی اروپا نیز در ارتباط با همین موضوع یعنی اتهام طرح ترور در خاک اروپا رسانه‌ای شده است. بیانیه پنج کشور اسکاندیناوی در محکومیت شدید آنچه تلاش ایران برای ترور برخی از مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خاک دانمارک خوانده شده، احضار سفیر ایران در نروژ، اتهام هم‌زمان هلند به دست‌داشتن ایران در قتل دو مخالف حکومت خود در خاک هلند و اخراج دو دیپلمات ایرانی از خاک خود، اخراج دو دیپلمات ایرانی از آلبانی و اخیرا میزبانی لهستان از نشست بین‌المللی آمریکایی علیه ایران که همگی آنها پس از خروج آمریکا از برجام و تداوم همکاری اروپا با ایران روی داده، از شکل رویدادهایی نقطه‌ای در حال تبدیل به روندی مشخص هستند که به نظر می‌رسد هدف خاصی را در ارتباط با روابط ایران و اروپا دنبال می‌کنند. در ارتباط با این اتهامات دو سؤال به ذهن می‌رسد؛ نخست اینکه چرا این اتهامات در این مقطع زمانی طراحی می‌شوند و چه هدفی را دنبال می‌کنند و دوم اینکه چرا این اتهامات عمدتا از سوی کشورهای

شمالی و شرقی اروپا مطرح شده و آنها تا چه میزان در رویکرد کلی اروپا نسبت به ایران تأثیرگذارند. در پاسخ به سؤال نخست باید گفت هم‌زمانی این رویدادها با همکاری بی‌سابقه ایران و اروپا پس از خروج آمریکا از برجام برای حفظ توافق هسته‌ای و بی‌اثرکردن تحریم‌های آمریکا، موضوع عجیب و سؤال‌برانگیزی است که به نظر می‌رسد از سوی طراحان آن، اهداف خاصی را در ارتباط با روند مثبت کلی روابط ایران و اروپا دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد موضوع به سیاست دولت ترامپ در قبال ایران و عدم همکاری و همراهی اروپا با این سیاست در ارتباط است. مخالفان جمهوری اسلامی ایران به خوبی می‌دانند که اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران بدون همکاری و همراهی اروپا امکان‌پذیر نیست؛ چراکه اولا برخلاف آمریکا این اروپاست که از روابط اقتصادی گسترده با ایران برخوردار است و نباید فراموش کرد که تحریم‌های دوره اوباما به این دلیل اثرگذار بود که پیاده‌نظام آن اروپایی‌ها بودند، دوما به تجربه دریافته‌اند که تحریم‌های آمریکا زمانی ثمربخش و موفقیت‌آمیز بوده که اروپا به مخالفت با آن برنخاسته و با آن همراه شده است. در این زمینه دو تجربه تاریخی وجود دارد: تحریم‌های ایران و کوبا در دهه ۹۰ میلادی. این تجارب نشان می‌دهد عدم همکاری اروپا با آمریکا ضریب موفقیت تحریم‌های آن را پایین می‌آورد و حتی می‌تواند آنها را به شکست بکشاند. بنابراین، برای تکمیل پازل فشار بر ایران، باید اروپا را نیز با تحریم‌های آمریکا همراه کرد. در واقع، شکاف میان اروپا و آمریکا از یک سو و از سوی دیگر هم‌گرایی میان ایران و اروپا بر سر برجام و دورزدن تحریم‌های آمریکا به عنوان یک ضربه‌گیر و پادزهر عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد سیاست اعمال فشار بر ایران به نتیجه مطلوب برسد. مخالفان جمهوری اسلامی ایران که امید داشتند پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها، اروپایی‌ها نیز ناگزیر به تبعیت از آمریکا پرداخته و ایران و برجام را رها کنند، پس از مشاهده مقاومت‌های اروپا و تلاش آن برای حفظ برجام و تداوم همکاری و رابطه با ایران، چاره کار را در تخریب رابطه ایران و اروپا به بهانه قدیمی اقدامات تروریستی دیده‌اند. الگوی این دست اقدامات طراحی اتهامات تروریستی مشابه حادثه میکونوس در دهه ۷۰ شمسی است که روابط ایران و اروپا را در آن زمان وارد تنشی جدی کرد. اما در پاسخ به سؤال دوم باید گفت عموما این دیدگاه نزد سیاست‌مداران ایرانی قوام گرفته که مسائل مربوط به اروپا را در قالب اتحادیه اروپا و یک سیاست یکپارچه به تحلیل می‌نشینند و به واسطه هم‌گرایی که در این قاره شکل گرفته، کمتر به نقش دولت‌های ملی اروپایی و تأثیر آنها بر سیاست کلی اتحادیه اروپا توجه می‌کنند. این در حالی است که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا همچنان تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی را در حیطه حاکمیت ملی خود محفوظ داشته‌اند و تصمیم‌گیری مشترک در این زمینه منوط به اجماع و اتفاق آرای تمامی اعضاست. این به آن معنی است که در این حوزه لوکزامبورگ به عنوان کوچک‌ترین عضو اتحادیه از همان حق رأی برخوردار است که آلمان یا فرانسه برخوردارند. بنابراین، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اروپا باید به صورت مشخص بر دو روند موازی استوار باشد؛ روند اول مسیر موجود تعامل با اتحادیه و سازوکارهای آن به‌ویژه تعامل با قدرت‌های اصلی اروپاست و روند دوم تعامل با تک‌تک کشورهای اروپایی و براساس منافع مجزای آن کشور و فارغ از تعامل با اتحادیه اروپا. نکته دوم این است که دولت‌های شمال اروپا (حوزه اسکاندیناوی) و شرق اروپا به علت تهدید روسیه در مرزهای شرقی خود و توازن در برابر قدرت آلمان، فرانسه و انگلیس در غرب اروپا، وابستگی شدیدی به چتر امنیتی آمریکا و قدرت توازن‌ساز آن در اروپا دارند و از این نظر بسیار آمریکاگراتر هستند و در معادلات بین‌المللی بیش از آنکه با سیاست‌های کلی اروپا همراهی کنند، تابع سیاست‌های آمریکا هستند. تجربه جنگ عراق و همراهی کشورهای شرقی و شمالی اروپا در عین مخالفت‌های غرب اروپا یک تجربه گویای تاریخی در این زمینه است.

رقابت ایران- سعودی؛ فرقه‌ای یا سیاسی

ترجمه: روح‌اله نخعی

جامعه جهانی همیشه «فرقه‌گرایی» را به‌عنوان عامل محرک پشت همه منازعات و درگیری‌ها در خاورمیانه اعلام می‌کند و این ایده را در ذهن محققان با چنان مهارتی تزریق می‌کند که به آنها اجازه نمی‌دهد فراتر از آن بیندیشند. با وجود اختلافات فرقه‌ای، ریاض و تهران در دوران رضاشاه با روابطی صمیمانه به تعامل با یکدیگر ادامه دادند. برخلاف نظر بسیاری، این ایدئولوژی انقلاب ایران نبود که این دو دوست را به دشمن تبدیل کرد، بلکه موضوع چالش سیاسی آنها برای تسلط بر دنیای اسلام بود. عربستان‌سعودی، انقلاب اسلامی را آغاز به‌چالش‌کشیده‌شدن تفوق خود می‌بیند که نتیجه‌اش آغاز تقلای پادشاهی برای حفظ جایگاه برترش با استفاده از اتحادهای منطقه‌ای بود. در ربع پایانی قرن بیستم، این دو رقیب منطقه‌ای، در فرازوفرودهای بسیار، در مقابل یکدیگر بودند، درحالی‌که اکبر هاشمی‌رفسنجانی در دوران رئیس‌جمهوری‌اش تلاش کرد فتیله خصومت‌ها را پایین بکشد؛ اما این خصومت‌ها زمانی دوباره برانگیخته شد که سربازان ایالات متحده برای سرنگون‌کردن رژیم صدام حسین در عراق موضع گرفتند. دنباله اعتراضاتی که در سال ۲۰۱۱ برای تغییر رژیم‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داد و «بهار عربی» خوانده شد، دینامیک سیاسی منطقه را به‌هم زد و این فرصت را به دو رقیب منطقه‌ای داد که با حمایت از بازیگران دولتی و غیردولتی، محدوده نفوذ خود را گسترش دهند. ایران حمایت روسیه را با خود داشت و به طریق مشابه، عربستان‌سعودی حمایت ایالات متحده، درحالی‌که لبنان، سوریه و یمن میدان‌های اصلی تقابل نمایندگان آنها بودند. تا اینجا روسیه فقط شش‌بار به‌تنهایی قطع‌نامه‌های مربوط به جنگ داخلی سوریه را وتو کرده، درحالی‌که شش‌بار دیگر هم چین در کنار روسیه وتو کرد. درحال‌حاضر، خاورمیانه وضعیت جنگ سرد شوروی و ایالات متحده را به نمایش گذاشته که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد. در دوران جنگ سرد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی مستقیم با یکدیگر روبه‌رو نشدند، اما در جنگ‌های نیابتی مختلف درگیر بودند. بحران‌های خاورمیانه فرقه‌ای نیستند. نه ایران و نه عربستان‌سعودی بی‌ثباتی خاورمیانه را نمی‌خواهند. این منفعت قدرت‌های بزرگ است که منطقه را در آشفتگی نگه می‌دارد تا منافع ملی خود را تأمین کنند. امروزه، نه‌تنها کشورهای توسعه‌یافته، بلکه کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌نیافته هم باافتخار خود را بخشی از قرن بیست‌ویکم می‌بینند. کشورها از سراسر جهان برای نوآوری و توسعه فناوری‌های روز، دست به دست هم می‌دهند. متأسفانه، این دست‌ها در خاورمیانه برای صلح با هم همکاری نمی‌کنند. از زمان بهار عربی، پادشاهی سعودی سه‌بار تلاش کرده که ساختاری شبیه به ناتو داشته باشد: نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج‌فارس، نیروی پلیس منطقه‌ای شورای همکاری خلیج‌فارس و نیروهای مشترک عربی. اینها مانند اقدامات قبلی بی‌نتیجه ماندند. در سال ۲۰۱۵، ولیعهد سعودی، محمد بن‌سلمان که به «آقای همه‌چیز» معروف است، این ایده را مطرح کرد که نیروی نظامی ترکیبی ضدتروریسم برپا شود به‌نام «اتحاد ضدتروریستی نظامی اسلامی»، (IMCTC)؛ بااین‌حال، بنیان‌های این ایده واضح نبودند. اولا آی‌ام‌سی‌تی‌سی شامل هیچ دولتی با حکومت غالب شیعه نمی‌شود؛ ثانیا اگر این یک اتحادیه نظامی اسلامی است، پس چرا ایالات متحده، یک کشور غیراسلامی، عضو آن است؟ گزارش‌ها نشان می‌دهند این اتحاد نظامی نه برای مقابله با تروریسم که برای مقابله با نفوذ فزاینده ایران در منطقه تشکیل شده است. بیایید نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته بیندازیم که هم جمعیت کاتولیک و هم جمعیت پروتستان دارند. این سؤال پیش می‌آید که آیا این دو مکتب با هم تفاوتی ندارند؟ برای چه با هم وارد جنگ می‌شوند؟ محققان استدلال‌هایی معتبر برای پاسخ به این سؤالات دارند. بعضی از این استدلال‌ها در زمینه متون بحث می‌کنند، بعضی دیگر درباره ایدئولوژی اسلامی، درحالی‌که می‌توان درباره نارضایتی‌های شیعه و سنی هم بحث کرد. در خاورمیانه، روسیه و ایالات متحده به‌ترتیب ایران و عربستان‌سعودی را حمایت مالی و غیرمالی می‌کنند. ایالات متحده و روسیه در صدر فهرست کشورهای صادرکننده اسلحه هستند. با وصل‌کردن این خطوط به هم به سادگی می‌توان دید که همان کشوری که خود را به‌عنوان واعظ صلح توصیف می‌کند، تأمین‌کننده اصلی تسلیحات است. آیا این را نقش دوپهلوی ایالات متحده بخوانیم؟ با بررسی پایه‌های بنیادین اسلام، می‌توان پیام صلح را منتقل کرد؛ پس چرا باید فرقه‌های اسلامی دلیل اساسی رقابت ایران و عربستان‌سعودی به حساب بیایند؟ صلح بین دو کشور را نمی‌توان با تقویت یکی و تضعیف دیگری به دست آورد. این کاری است که ایالات متحده کرد. صلح در خاورمیانه بدون حذف گره حضور بازیگران خارجی در روابط داخلی منطقه به دست نمی‌آید. به اختلاف‌نظرهای ایران و عربستان‌سعودی، این دو دولت رقیب، فقط با اقدامات مناسبی می‌توان رسیدگی کرد که به نقطه‌های عزیمت این دو بپردازد.

منبع: مدرن‌دیپلماسی

روزنه

چرا لهستان انتخاب شد؟

● مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده، در تور هشت کشوری خود در خاورمیانه، برگزاری نشستی جهانی را برای رسیدگی به آنچه تهدید ایران خواند، با گردهم‌آوردن کشورهایی از سراسر جهان اعلام کرد. اما محل برگزاری این نشست، شهرت کمتری از آنچه برای این نشست‌ها معمول است، دارد؛ ورشو. پمپئو روز جمعه اعلام کرد پایتخت لهستان، محلی خواهد بود که چنده کشور قرار است در جلسه ۱۳ و ۱۴ فوریه [۲۴ و ۲۵ بهمن]، جمع شوند تا «روی ثبات خاورمیانه و صلح و آزادی و امنیت در این منطقه تمرکز کنند».

اما چرا لهستان، دولت عضو اتحادیه اروپا؛ نه متحدان سنتی ایالات متحده مانند بریتانیا، فرانسه یا آلمان؟

لهستان که رهبری‌اش را دولتی راستگرا و عوامگرا در دست دارد، متحد قدیمی ایالات متحده است که نسبت به قدرت‌های کلیدی اروپایی، مانند آلمان و فرانسه، روابط بهتری با آقای ترامپ دارد.

ترامپ چندین بار از رهبران اروپایی انتقاد کرده است. حتی هفته گذشته، واشنگتن، بدون اینکه به بروکسل اطلاع دهد، وضعیت دیپلماتیک تیم مأموریتی اتحادیه اروپا در ایالات متحده را تنزل داد.

یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا، اذعان کرده که لهستان، مثل دیگر کشورهای اروپایی، از توافق بین‌المللی برای پایان به برنامه هسته‌ای ایران که آقای ترامپ سال گذشته از آن خارج شد، حمایت می‌کند.

این سخنگو گفت جلسه ورشو «این پیام مهم را ارسال می‌کند که کشورهایی که دیدگاه‌های مختلف درباره توافق هسته‌ای دارند، می‌توانند برای رسیدگی به دیگر مسائل حیاتی در منطقه، گرد هم بیایند».

ایران این نشست را مذمت کرده است و اشاره کرده که میزبان بیش از صد هزار پناه‌جوی لهستانی در دوران جنگ جهانی دوم بوده است.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در توییتی گفت: «دولت لهستان نمی‌تواند این شرم را پاک کند: درحالی‌که ایران لهستانی‌ها را در جنگ جهانی دوم نجات داد، حالا [لهستان] میزبان سیرک استیصال‌آمیزی علیه ایران می‌شود».

اما به نظر نمی‌رسد واکنش منفی ایران، یاکیچ ژاپاتوویچ، وزیر خارجه لهستان را برآشفته کرده باشد. او در بیانیه‌ای گفت، درحالی‌که کشورش از تلاش‌های اتحادیه اروپا برای حفظ توافق هسته‌ای حمایت می‌کند، این توافق «اقدامات ایران در برهم‌زدن ثبات منطقه را متوقف نمی‌کند» و ابراز امیدواری کرد این نشست، مواضع اتحادیه اروپا و ایالات متحده را به هم نزدیک کند.

او گفت بیش از ۷۰ کشور، شامل تمام اعضای اتحادیه اروپا به این نشست دعوت شده‌اند.

به نظر می‌رسد، ورشو با قرارگرفتن کنار واشنگتن قصد دارد تخم‌مرغ‌هایش را در چند سبد بگذارد. ایالات متحده، پیش‌تر ۹۰۰ سربازش را در لهستان مستقر کرده و این کشور عضو ناتو، از ایالات متحده خواسته است که یک پایگاه دائم نظامی، به‌عنوان محافظی در مقابل نفوذ روسیه در این کشور برپا کند.

آندژی دودا، رئیس‌جمهور لهستان، در یک نشست خبری با رئیس‌جمهور آمریکا به شوخی گفت: اسم این پایگاه نظامی می‌تواند «قلعه ترامپ» باشد. از آن زمان، رئیس‌جمهور ایالات متحده دستور داده است هزینه‌های استقرار نیروهای آمریکایی در آلمان بررسی شود. این نشانه‌ای از این است که ممکن است او بخواهد به سمت اروپای شرقی چرخش داشته باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد، با میزبانی این نشست از طرف ایالات متحده، لهستان از بیش از یک مسیر نفع خواهد برد؛ البته تا زمانی که آقای ترامپ همچنان رئیس‌جمهور است.

منبع: نشنال